

یکشنبه ۲ آذر ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۴۷۰

ورزشی

گزارش

گروه در کار مدافع قهرمانی جام حذفی

برابر پادیاپ خلخال

صعود سخت

تعیین زمین ناهموار و وصله و پینه‌شده ورزشگاه تختی به عنوان محل بازی تیم‌های استقلال و پادیاپ خلخال، آن هم ۲ روز مانده به برگزاری این دیدار و بازی ضعیف و غیرمنظره استقلال در این زمین که قطعا برای فوتبال مناسب نیست، نشان داد گل‌ایه‌های ریکاردو ساپینتو در این باره بحق بود. مسوولان سازمان لیگ نیز با تغییر محل بازی از ورزشگاه قدس به تختی در این فاصله تا روز بازی، خود را در معرض بدبینی قرار دادند! البته سرپرست مدیرعاملی استقلال اگر به جای فضای مجازی در فضای حقیقی کاراثر بود، می‌توانست مثل مدیران تراکتور مجوز تعویق این دیدار را بگیرد، زیرا تیم استقلال نیز حائز شرایط سرخ‌پوشان تبریز بود.

عبدالمجید باقری‌نیا، سرمربی کهنه‌کار اهل «هفتگل» پادیاپ، هم نقاط ضعف و قوت استقلال را خوب شناخته بود و هم تاکتیک مناسبی را برای مهار مدافع عنوان قهرمانی این جام اتخاذ کرد، مصاف بر آن تیم وی از بعد روحی –روانی نیز بخوبی آماده این دیدار شده بود. خلخالی‌ها که پس از گل زیبایی دقیقه‌دهم فربرز یوسفی تا پایان این دیدار فقط ۲ بار دیگر حضور جدی و خطر‌ساز در ۱۸ قدم استقلال داشتند، بازی دفاعی هماهنگ‌ثوم با توسل به جنگ روانی را به نمایش گذاشتند که این شیوه تا توجه به جایگاه، بضاعت و همچنین ۱۰ نفره شدن آنها در دقیقه ۲۱ بازی دور از انتظار و نادرست نمی‌نماید.

شرایط زمین تختی، اجازه بازی موردنظر ساپینتو را به شاگردانش نمی‌داد ولی سوال این است: چرا وی فکری برای این معضل نکرده بود؟ علاوه بر این، او در طول بازی نیز راه‌حلی گره‌گشا برای مهار شدن وینگرهایش که نقطه اتکای این تیم هستند، ننمود که اگر چنین می‌کرد شاید بازی اینقدر برای تیمش سخت نمی‌شد.

کادرفنی استقلال باید دنبال این باشد که چرا کار تیمش در خانه و مقابل تیمی دسته دومی که در گروه خود نیز موقعیت خوبی ندارد و ۱۲۰ دقیقه ۱۰ نفره بازی کرد، به به مشکل بر می‌خورد؟ چرا مهاجمان این تیم قادر به استفاده از فرصت‌های متعدد گلزنی‌شان نیستند؟ فقط محمدرضا آزادی ۵ موقعیت را در این بازی هدر داد و سعید سحرخیزان نیز نتوانست از فرصت‌هایش بهره‌ای ببرد! اصلا مهاجمان استقلال به لحاظ روحی و انگیزه با مشکل مواجهند و این نقیصه از توانایی در استفاده از فرصت‌های‌شان آشکار است؛ سحرخیزان که به رغم دوندگی هایش، با استرس بازی می‌کند، آزادی که در حضور مجددش نیز تفاوت چندانی با نخستین سال حضورش در استقلال (با وجود تجربه‌دارتر شدن) ندارد و نازون نیز که گلزنی‌هایش را فقط برای تیم کشورش نگه داشته است!

آبی‌پوشان نیمه اول جز ضربه سر رامین رضاییان که آن هم با فاصله از کنار دروازه پادیاپ بیرون رفت، نتوانستند از انبوه ساترهای‌شان‌چه در جریان بازی و چه در ضربات ایستگاهی استفاده کنند و پیروزی این ارسال‌ها خط دفاع میهمان دسته دومی‌شان بود! به طور کلی تا اینجا، فصل، مرد پرتغالی نتوانسته برنامه مدون و کارسازی برای استفاده از ارسال‌های متعدد تیمش در بازی‌های مختلف به کار گیرد، ضمن اینکه نحوه استقرار شاگردانش هنگام ارسال‌ها، یادآور فوتبال دهه ۶۰ است؛ بازیکنانی ایستا و ساکن تا توپ بر سرشان فرود آید!

بر نحوه بازی یک تیم دسته دومی برابر استقلال، حرجی نمی‌تواند باشد؛ ولی گره‌خوردن کار تیمی مدعی مقابل چنین تیمی محل سوال جدی است. قابل توجه است؛ این پیروزی سخت در حالی برای استقلال حاصل شد که به جز صالح حردان، ساپینتو ترکیب اصلی این روزهایش را به میدان فرستاد! این سوال پیش می‌آید: اگر استقلال به هر دلیلی در دیدارهای حساس، چند نفر از مهره‌های اصلی‌اش یا اصلا فقط یاسر آسانی را در اختیار نداشته باشد، کارش چگونه خواهد شد؟!

اخبار

مجازات شدید لوئیس دیاز توسط پوفا

ستاره بایرن مونیخ، به دلیل «بازی خشن شدید» پس از اخراجش در پیروزی ۲ بر یک مقابل پاری‌سن‌ژرمن ۳ جلسه محروم شد.

لوئیس دیاز هر ۲ گل بایرن را در پاریس به ثمر رساند اما در قایق پائانی تیمه اول به‌خطر یک تکل خشن روی اشرف حکیمی، مدافع پی‌اس‌جی، اخراج شد؛ تکلی که باعث مصدومیت برنده جایزه توپ طلای آفریقا شد. باشگاه پاری‌سن‌ژرمن روز بعد تأیید کرد حکیمی دچار پیچ‌خوردگی شدید مچ پای چپ شده است. مدافع مراکشى از آن زمان تاکنون برای سن‌ژرمن بازی نکرده است. ونسان کمپانی، سرمربی بایرن، انتظار داشت لوئیس دیاز تنها بازی چهارشنبه مقابل آرسنال را از دست بدهد اما وینگر خشن کلمبیایی طبق حکم محرومیت، دیدار خانگی مقابل اسپورتینگ در ۹ دسامبر و بازی مقابل یونینوس سن‌پلوا در ۲۱ ژانویه را نیز از دست خواهد داد. کمپانی صبح جمعه به خبرنگاران گفته بود: «اطلاعات من این است که او فقط یک بازی محروم است. اگر اطلاعاتم درست نباشد، ناراحت می‌شوم» اما او اشتباه می‌کرد: محرومیت دیاز ۹ مسابقه است.

■ ■ ■

دختر موتورسوار زیر تیغ جراحان

ورزشکار رشته موتور کراس که در پیست آزادی دچار حادثه شد، تحت عمل جراحی قرار گرفت. به گزارش فارس، روز چهارشنبه التامعدنی‌پور در تمرین پیش از مسابقات دچار حادثه از ناحیه سر شده و بلافاصله پس از آن با آمبولانس حاضر در پیست، به بیمارستان منتقل شد. معدنی‌پور که با این حادثه به کما رفته بود در ابتدا و روز اول دارای سطح هوشیاری ۲ بود اما روز گذشته با بهبود و بالا رفتن سطح هوشیاری تا عدد ۹ اوضاعش باثبات شد. پیگیری‌ها نشان می‌دهد این بانوی موتورسوار تحت عمل جراحی قرار گرفته و برای بهبود و نظر قطعی درباره وضعیت وی باید منتظر ماند.

آسانی استقلال را به جمع ۱۶ تیم جام حذفی برد

بایاری یاسر



تمرکز نرفته است. ضرباتش با برخوردی عجیب تغییر جهت داد و درون دروازه نشست. گل شاید کمی با شانس همراه بود اما اگر توپ هم به مدافع نمی‌خورد، بعید بود این وینگر بی‌رحم فرصت گل‌سازی را از دست بدهد.

در آن لحظه، استقلال نفس تازه‌ای کشید. هواداران در خانه و استادیوم از جا بلند شدند و ساپینتو شانه‌هایش را رها کرد. آسانی شب را تسخیر کرده بود. ۲ پاس گل داشت؛ ایک میک، صعود، یک پایان خوش برای ششی که می‌توانست یک فاجعه آرام و رموز برای آبی‌ها باشد.

افسوس که آمار خشک، هرگز قادر نیست تصویر کاملی از نقش آسانی ارائه کند اما وقتی نگاه‌ی به کارنامه‌اش بیندازیم، آنچه دیده‌ می‌شود، رشدی بارآورکننده است: گل‌های زیبایی پیاپی، ۱۰۰ درصد پنالتی‌ها گل شده، نمایش‌های بی‌نوسان، پاس گل‌هایی که مهر تأثیرگذاری او را تثبیت می‌کند و حالا هم یک صعود در جام حذفی. این بازیکن در ظاهر آرام اما در باطن آتشفشانی، در ۱۳ بازی فصل ۸ گل و ۲ پاس گل داشته؛ آماری که نه برای یک تازه‌وارد، بلکه برای یک ستاره جاقفاده هم ایده‌آل است.

استقلال این روزها با این بازی‌های پر فشار بیش از هر زمان دیگری نیاز به ستون‌هایی دارد که در لحظه‌های حساس لرزش را از تیم دور کنند. یاسر آسانی حالا تبدیل شده به همین ستون؛ مردی که در میدان مسوولیت را با تواضع بر دوش می‌کشد و ترسی از برداشتن بار یک تیم ندارد. اگر روزی بخواهند داستان این فصل استقلال را روایت کنند، بدون شک نخستین بخش آن با آسانی آغاز می‌شود.

او نه فقط یک مسابقه را بر گرداند، بلکه تیمی را که در آستانه لغزش بود، دوباره به مسیر برگرداند. گاهی برای نجات یک تیم، تنها یک نفر کافی است و جمعه شب در شرق تهران، آن یک نفر یاسر آسانی بود.

باگر او نبود قطعا سال‌ها پادیاپ به همان قشقای شیراز در کری‌خوانی‌ها مبدل می‌شد!

اما فوتبال مانند سینما همیشه یک قهرمان دارد و گاهی این قهرمان نه از بین ستاره‌های قدیمی که از دل یک خرید تازه‌وارد بیرون می‌آید. یاسر آسانی از همان روز اول که پا به ایران گذاشت، نشان داد برای غافلگیر کردن آمده، نه مجال تطبیق می‌خواست، نه تاز ورود داشت. انگار سال‌ها روی همین چمن‌های ناهموار توپ زده، عجیب‌تر اینکه هر کس فکر می‌کرد او یک خرید معمولی است، حالا مجبور است با احترام بیشتری نامش را ببرد.

در لیگ، خیلی زود تبدیل به یکی از عناصر اصلی تیم شد. حرکاتش، گل‌هایش، ضربه‌های دقیقش و اعتمادی که در تصمیم‌هایش موج می‌زد، کمتر در بین بازیکنان خارجی تازه‌وارد دیده‌ می‌شود. انگار از بیرون آمده بود تا ریتیم کند استقلال را دوباره زنده کند و این ریتیم تنها با گل‌ها نبود. او هر بار صاحب توپ می‌شد، سکوها تکان می‌خورند، فوتبالیش روح دارد.

اما آنچه او را به یک نام فراتر از یک وینگر معمولی رسانده، همین شش‌های خاص است. همین ششی که استقلال، مدافع عنوان قهرمانی، ناگهان به تنش افتاد. ساپینتو که نگرانی را در راه رفتن و فریادهایش می‌شد خواند، در نهایت همان انتخاب بدیهی را روی نیمکت پیدا کرد: آسانی، مردی که گویی تابستان برای همین دقیقه‌ها خریداری شده بود.

با حضورش در زمین، جریان بازی تغییر کرد؛ توپ‌ها دوباره جان گرفت، حمله‌ها شکل پیدا کرد و حریف ۱۰ نفره برای نخستین بار احساس کرد توان در راه است. ضربه پنالتی اول، یک نشانه بود؛ نشانه اینکه آسانی وقتی دست روی توپ می‌گذارد، غشروف‌های فشار و استرس را نادیده می‌گیرد. توپ را به گوشه فرستاد و استقلال را از پرتگاه بیرون کشید اما این فقط شروع نمایش بود.

در وقت‌های اضافه، جایی که نفس‌ها تیزتر کشیده می‌شود و پاها می‌لرزد، آسانی مثل بازیگری که منظر صحنه نهایی نمایش باشد، قدم جلو گذاشت. توپ را که برای یک ضربه به‌نواخته‌ای مهیا کرد، حتی مدافعان پادیاپ هم فهمیدند خطری پشت این

وقتی تیمی گمنام در فوتبال ایران خودش را مطرح کرد

جسارت خلخال

هم در هم بشکنند، چه برسد به استقلال که از نظر روانی آماده یک شب آسان بود. در ایین میان، پادیاپ همان تیمی بود که نه فقط در دفاع درست کار کرد، بلکه هر زمان توپ را به دست آورد، رویاپردازی را کنار نگذاشت. هر دیدن‌شان، هر تکل‌شان، هر توپ‌گیری‌شان تصویری از تیمی بود که برای فرصت تاریخی‌اش جنگیده، نه اینکه از آن ترسد. آنها همان قدر که با بدن‌شان بازی کردند، با قلب‌شان هم جنگیدند.

دقیقه ۸۹، پادیاپ فصل‌های تاخلق یکی از شگفتی‌های بزرگ فوتبال ایران نداشت. استقلال تنها با یک ضربه پنالتی توانست نفس بکشد و بازی را به اضافه وقت ببرد اما حتی پس از آن گل نیز تسلیم نشدند. تمام توان‌شان را گذاشتند اما قدرت استقلال و خستگی مغرطشان در نهایت کار خودش را کرد. هر چند نتیجه نهایی آرای آنها شکست بود اما نوع استادگی‌شان آسیبی به احترام‌شان نزد، برعکس، احترام تازای ساخت.

در پایان، ممکن است کسی به جدول لیگ دسته دوم نگاه کند و پادیاپ را یک تیم معمولی ببیند اما کسانی که این مسابقه را دیدند، می‌دانند فوتبال گاهی برای چند ساعت، قامت یک تیم کوچک را بزرگ‌تر از آنچه هست نشان می‌دهد. برای بازیکنان این تیم، برای شهر خلخال و برای مربی‌شان، این روز تبدیل به یک خاطره ماندگار خواهد شد؛ جمعی‌ای که در آن، یک تیم بی‌ادعا کاری کرد که حتی شکست هم نتوانست ارزشش را کم کند.

استقلال با درخشش ستاره آلبانیایی در یک هشتم نهایی جام حذفی

یار خوب تمام ماجراست!

استقلال در ششی به زحمت و با مشقت فراوان از سد تیم لیگ دویی کشت و صنعت پادیاپ خلخال عبور کرد و خودش را به

یک‌هشتم نهایی جام حذفی رساند که بار دیگر زنگ خطر برای ترکیب ناهمگون ریکاردو ساپینتو به صدا درآمد.

سرمربی پرتغالی آبی‌ها متکی به ستاره است و اگر ستاره در ترکیب نباشد یا در اوج، تیم او به مشکل می‌خورد و تفاوت بسیار زیادی بین بازیکنان اصلی و جانشینان آنها وجود دارد. نتیجه‌گیری ساپینتو در دوره نخست حضورش روی نیمکت آبی‌ها – ۳ فصل پیش – نیز به محمد مجبی و مهدی قایدی وابسته بود.

ساپینتو در دیدار با تیم پادیاپ خلخال، یاسر آسانی که می‌شود گفت بهترین بازیکن حال حاضر نه‌تنها استقلال، بلکه فوتبال ایران است را روی نیمکت گذاشته بود و محمدحسین اسلامی به جای او در سمت راست به بازی گرفته شد. وینگر ایرانی نتوانست تجربه خوبی ایفا کند و نیمه دوم جای خود را به کاپیتان تیم ملی آلبانی داد. آبی‌ها که خیلی زود در دقیقه ۱۰ بازی با شلیقتگی محض و عدم هماهنگی از حریف ضعیف خود گل دریافت کرده بودند و شاید اگر تیم میهمان در اواسط نیمه اول یک اخراجی نمی‌داد، گل دیگری هم می‌توانست به ثمر برساند، با حضور آسانی در نیمه دوم به تیم دیگری تبدیل نشدند. آسانی هم توانست پنالتی برای استقلال بزند و هم در وقت‌های اضافه با ضربه ایستگاهی تیمش را برنده مسابقه کرد. آسانی در حالی با ۲ گل ستاره میدان شد که پدر او هم در ورزشگاه حاضر بود و از نزدیک شاهد درخشش پسرش بود.

اما ایراد کار ساپینتو علاوه بر به توازن نرساندن ترکیب اصلی با نیمکت ذخیره‌اش، این بود که در این دیدار به محض ۱۰ نفره شدن حریف، امیرمحمد رزاقی‌نیا، هافبک دفاعی خود را بیرون کشید و مهاجمش سعید سحرخیزان را وارد زمین کرد. همین اتفاق نشان داد ساپینتو برد استقلال در ۹۰ دقیقه را پیش‌بینی و گمان می‌کرد یک بازی آسان را پیش رو خواهد داشت. در ادامه مهران احمدی هم بیرون رفت تا استقلال بدون هافبک دفاعی بازی کند و شاید اگر واری برای استقلال پنالتی نمی‌گرفت، تیم ساپینتو در ۹۰ دقیقه شکست نمی‌گرفت. همان بازی نخست از جام حذفی کنار می‌رفت. البته سرمربی پرتغالی در خط حمله از سحرخیزان به‌دقت ناامید شد و در وقت‌های اضافه او را بار دیگر روی نیمکت فراخواند. اصلا با حضور آسانی حضور مهاجمان تیم ساپینتو دیده نمی‌شود یا زمانی که آنها دیده می‌شوند موقعیت‌های عالی را به بدترین شکل ممکن هدر می‌دهند.

باید از ساپینتو پرسید: اگر یاسر آسانی در ترکیب تیمش نبود، می‌توانست یک تیم ۱۰ نفره و ناشناس لیگ ۲ را شکست دهد؟ او با تفکر خود منجر به پیروزی تیمش شده یا این ستاره‌ها هستند که نجات‌دهنده راهش هستند؟ اگر روزی آسانی به دلیل محرومیت یا مصدومیت یا حتی عدم آمادگی – که موضوعی طبیعی در فوتبال است – به یاری تیمش نشتابد، ساپینتو چه خواهد کرد؟

استقلال برای رسیدن به قهرمانی باید در دفاع و حمله بهتر کار کند و متکی به یک یا ۲ ستاره نباشد. این دیدار درسی بود برای ساپینتو و کادارش که هم روی دفاع متزلزلی که بارها اسیر یک مهاجم پادیاپ شد، کار کنند و هم برای موفق ظاهر نشدن مهاجمان گل‌زن چاره‌ای بیندیشند. نمی‌شود تا پایان فصل استقلال با منیر یا کوشکی در نقش گلزن ظاهر شوند و مهاجمان بدون موفقیتی در ترکیب قرار گیرند و سایه‌شان هم دیده نشود.



بررسی کارنامه کاروان ورزش ایران در ریاض که در جایگاه سوم ایستاد

روسپیدی سفیران اقتدار

آغاز کاروان بود. مریم بریط، جودوکار جسور این دوره، در همان روزهای نخست توانست نخستین مدال کاروان را از رقابت‌های سنگین بیرون بکشد؛ یک برنز ارزشمند که شروع خوبی بود و به تیم روحیه داد. دیگر پرچمدار، علیرضا معینی، در وزنبرداری ۳ سکوی مهم به دست آورد و حضورش نشان داد ترکیب کاروان در این دوره بر اساس شایستگی چیده شده است. اما داستانی که در این رقابت‌ها بیش از همه در دل مخاطبان نشست، روایت تاریخی هندبال بانوآن بود. تیمی که سال‌ها زیر سایه تیم‌های قدرتمند منطقه و کمبود تجربه بین‌المللی قرار داشت، بالاخره در ششمین دوره بازی‌ها درخشید و برای نخستین‌بار، مدال برنز را به خانه آورد. این جایزه فقط یک سکو نبود؛ یک مرز تاریخی بود که توسط گروهی از دختران جنگجو شکسته شد. در سوی دیگر میدان، نخستین طلای ایران به نام سامیار عبدلی در آب‌های ریاض ثبت شد. شناگر جوانی که در نخستین روزهایی که هنوز مسیر مدال‌ها شکل نگرفته بود، پرچم ایران را بالا برد و نشان داد کاروان در مسیر درستی گام برمی‌دارد. آخرین طلای ایران اما در نقطه مقابل، از سنگین‌ترین وزن آمد. امیرحسین زارع، آزادکار قدرتمند، آخرین طلای ایران را در آخرین ساعات بازی‌ها به دست آورد؛ پائانی شکوهمند برای کاروانی که از ابتدا تا انتها با فراز و فرود همراه بود. نگاه کلی به کاروان ایران

ریاض تعداد مدال‌های طلا کاهش یافته بود. در چنین شرایطی، حفظ آمار طلا مثل گذشته کار ساده‌ای نبود. با این وجود، سهم مدال طلای ایران نه‌تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه نسبت به دوره قبل، اندکی هم افزایش یافت؛ موضوعی که اگر با دقت بررسی شود نشان می‌دهد کاروان ایران نه‌تنها از افت جلوگیری کرده، بلکه با وجود کمتر شدن فرصت‌های کسب طلا، راندمان بهتری داشت. خود نشان داده است. در دوره قبل که در فرتیه بر گزار شد، ۳۷۹ مدال طلا میان ورزشکاران توزیع شد و سهم ایران ۲۹ طلا بود. در ریاض، تعداد مدال‌های طلا به ۲۷۰ عدد کاهش یافته بود. اگر قرار بود همان راندمان دوره قبل حفظ نشود، کاروان ایران می‌بایست ۲۸ طلا کسب می‌کرد اما نتیجه فراتر رفت: ۲۹ طلا. با این حساب سهم ایران در این دوره ۱۰۷۴ درصد شد؛ افزایشی کوچک اما معنادار، آن هم در رقابتی که فرصت‌ها نصف دوره‌های قبل هم نبود. در این میان، نبرد نامرئی ایران با ازبکستان – رقیب سنتی جدول مدالی – نیز نتیجه‌ای متفاوت داشت. اگرچه هر ۲ کشور همین تعداد مدال طلا کسب کردند اما ازبکستان با دستی پرتر از نقره‌ها، بالاتر ایستاد. با این وجود، همین برابری تعداد طلاها نشان می‌دهد فاصله‌ای که در دوره قبل محسوس بود، اکنون به کمترین سطح رسیده است. یکی از زیباترین بخش‌های سفر ایران به ریاض، نقش پرچمداران در

وقتی کاروان ایران با عنوان «سفیران اقتدار» راهی ریاض شد، کمتر کسی تصور می‌کرد در رقابتی فشرده و کاهش محسوس تعداد مدال‌ها در مجموع، بتواند نه‌تنها جایگاه همیشگی خود را حفظ کند، بلکه با چند دستاورد، نقش فراتر از انتظار در ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی ایفا کند اما آنچه در این ۲ هفته گذشت، نشان داد ورزش ایران پتانسیلی دارد که در سخت‌ترین شرایط نیز خود را به سطح مطلوب می‌رساند و حتی از برخی محدودیت‌های ساختاری عبور می‌کند.

این دوره از مسابقات نیمه آبان در ریاض آغاز شد و سیام همان ماه به پایان رسید. با وجود اینکه برخی رشته‌ها قبل از افتتاحیه رسمی وارد میدان شده بودند اما فضای عمومی رقابت‌ها تا روزهای پائانی داغ و تعیین‌کننده بود. ایران با ترکیبی ۱۹۰ نفره در ۲۰ رشته، وارد کارزار شد و این ترکیب، در نهایت ۳۳ سکو برای ورزش کشور به ارمغان آورد: ۲۹ طلا، ۱۹ نقره و ۳۳ برنز. مدال‌هایی که باعث شد نام ایران پس از ترکیه و ازبکستان، در رده سوم قرار گیرد.

اما جذابیت اصلی ماجرا آنجا بود که برخلاف دوره قبل، در



طنناز مقدم

نشان می‌دهد اگرچه برخی رشته‌ها به‌دلیل کاهش ماده‌ها فرصت کمتری برای مدال‌آوری داشتند اما ورزش ایران در مجموع توانست از این محدودیت‌ها عبور کند. عملکرد رشته‌هایی مانند کشتی، وزنبرداری، تکواندو و شاتانش اصلی را در تثبیت جایگاه ایران ایفا کرد و تیم‌های تازه‌نفس مانند هندبال زنان نیز مسیرهای جدیدی برای آینده باز کردند. اگر بخواهیم تصویری روشن‌تر از این رقابت‌ها داشته باشیم، باید گفت کاروان ایران در شرایطی جایگاه سوم را حفظ کرد که برخی کشورهای حاضر در این دوره رشد مسابقه‌ای را در ورزش خود تجربه کرده بودند. علاوه بر آن، کاهش تعداد مدال‌های طلا بلافاصله رقابت برای هر سکو سخت‌تر و فشرده‌تر شد. در چنین فضایی، حفظ رتبه و حتی افزایش سهم مدال طلا نشان‌دهنده یک نظم ساختاری و برنامهریزی دقیق است. ششمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی برای ایران تنها یک جدول مدالی نبود؛ ترکیبی بود از بازگشت‌ها، اولین‌ها و تثبیت جایگاه‌ها. «سفیران اقتدار» در ریاض نشان دادند حتی در سال‌هایی که منابع محدود است و رقابت‌ها فشرده‌تر، هنوز هم می‌توان با برنامهریزی، آراش و ایمان به توانایی‌های داخلی، جایگاه ایران را در میان قدرتمندهای منطقه حفظ و حتی تقویت کرد. این رقابت‌ها به پایان رسید اما اثرات آن، بویژه برای نسل‌های جدید ورزش زنان و مردان، تازه شروع شده است.